

نماد گرایی باغ ایرانی در دوره اسلامی

دکتر محمدمهدی گودرزی سروش*، دکتر سید مصطفی مختاباد امرئی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۰۹/۲۵

چکیده

این بحث به باز شناسی تشابهات کالبدی و ذهنی و مطابقت نمادهای موجود در باغ ایرانی، اسلامی با بهشت پرداخته و اجزاء آن را با توصیفات بهشت در قرآن مقایسه و بازبینی نموده است. از زمانی که آدم و حوا از بهشت برین رانده شدند همیشه آرزوی برگشت و سکونت در آن دیار باقی را داشته اند. دیار بی منتها، امن (حجر: ۴۶)، باقی (دخان: ۵۶) که به پرهیزگاران در اسلام و ادیان دیگر وعده داده شده است. مسلمان ایرانی به دنبال ایجاد باغی فانی در دنیای مادی نبوده است. اگر از نمادهایی متناظر با عناصر بهشت وعده داده شده استفاده نموده، و برآن تأکید کرده، به دنبال معنا بخشی و غنابخشی به معماری باغ می باشد. تفکر سنتی به دنبال معناگرایی در این دنیا است، دنیایی که واقعیتهایی، از حقیقتی لایزال است و در معماری طی تاریخ معانی و مفاهیمی پایدار را ایجاد نموده است، که برگرفته از جهان بینی خود بوده است.

واژه های کلیدی

باغ ایرانی، نمادگرایی، بهشت، اسلام

* استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران. (مسئول مکاتبات)
Email: goodarzysoroush@gmail.com

** دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

بنا می‌خواندند. فرمانروایان شهرهای داخل ایران، یا شهرهای قلمرو شاهنشاهی ایرانی در خارج، همه ملزم به ساختن چنین باغچه‌هایی بوده‌اند. مثلاً یکی از این (په اره دئسه)ها یا پردیس‌ها در تخت جمشید بود (شکل ۱) که خشایارشا در هنگام برشمردن نام بناهایی که ساخته، از آن یاد کرده است. واژه پردیس به معنای بهشت، در زبان عربی به فردوس و در زبان‌های دیگر به پارادایز تبدیل شده است. خود بهشت یا (وهشت) به معنای بهترین زندگی است و این بهشت به شکل باغی سرسبز و خرم و زیبا مجسم می‌شده است. ما برای این مفهوم واژه‌های جنت، فردوس، بهشت یا رضوان را به کار می‌بریم. در فارسی قدیم واژه پالیز هم به همین معنا بوده است (بیرنیا، ۱۳۷۳). و باغ بهشتی هیچ ارتباطی با بهشت که در قرآن به آن اشاره شده ندارد. دنیا یا زندگی دنیا (مطابق تعالیم قرآنی) چیزی جز بازی و هوسرانی و خودآرایی و تفاخر و تکاثر و رنج و متاع و زیانکاری نیست (حدید: ۲۰، بلد: ۴، آل عمران: ۱۸۵ و عصر: ۲) (نقی زاده، ۱۳۸۷).

بررسی تاریخی باغ ایرانی

قرار گیری در اقلیم گرم و خشک همواره موجب اهمیت ساخت باغ‌هایی بوده که همچون نماد و متذکر بهشت اخروی باعث آسایش و آرامش مردمان این خطه شده است. بنابراین یکی از مهمترین عناصر معماری و شهر سازی ایران را می‌توان باغ‌های آن دانست که با تنوع جهت استفاده اقشار مختلف و در طول سالیان طولانی بدست معماران چیره دست این مرز و بوم ساخته شده و بعنوان یکی از بارزترین یادگارهای



شکل ۱. آب راه پاسارگاد (مأخذ: سمیع آذر، ۱۳۸۶)

در بیشتر متون مربوط به باغ‌های دوره اسلامی به الگو گرفتن از بهشت در طرح آنها اشاره شده است. با این حال در اغلب این مقالات هیچ یک از طرفین این تشبیه و وجه شبه به درستی شکافته نشده است. به عبارت دیگر، نه درباره صورت بهشت در فرهنگ مسلمین به تفصیل بحث شده است، نه در مورد ترکیب باغ‌های دوره اسلامی، و نه در کیفیت مشابهت آن دو، از همین رو ذکر مکرر این مشابهت صورتی شعارگونه یافته است. لازمه فرا رفتن از این مرحله بررسی عمیق تر همه ارکان این نمادگرایی است. با این دیدگاه در این بحث به بررسی رکن اول این تشبیه، یعنی صورت باغ در فرهنگ اسلامی پرداخته شد، و در عین حال گوشه چشمی هم به ظهور این الگو در باغ‌های دوران اسلامی هم به اختصار پرداخته شد.

یکی از اشکالات مبتلا به بسیاری جوامع و از جمله جامعه ی ایرانی، به ویژه در زمینه‌های مطالعات و آثار تاریخی، فقدان آثار و مطالعات اصیل ایرانی و اتکا به آرا و تفاسیر و اظهار نظرهای بیگانگان، به ویژه غربیان و مستشرقان بوده است (نقی زاده، ۱۳۸۷).

نمونه اعلاء و آرمانی ذوقی سنتی‌های شگرف هنر باغ سازی را در کشور های اسلامی همیشه باغ‌های شاهانه ایران باستان دانسته‌اند. باغ در مقام برخوردارگاه آدمیان و اندیشه هاشان و به عنوان میعادگاه زمین و آسمان و نقطه تلاقی عملکرد و پندار، بهترین جای تجربه عرفانی است (سمیع آذر، ۱۳۸۶).

نخستین قانون این طبیعت رام شده، قانون وحدت درونی است که با آشفتنگی بیرونی در تضاد است. غنای معماری‌ها، سرشاری گیاهان و فراوانی رنگ‌ها و عطرها، جایی عینی پدید می‌آورد که در آن، چنان که هانری کربن به درستی می‌گوید، نمونه‌های آغازین عالم روح، بازتاب می‌یابد و عینیت پیدا می‌کند.

باغ ایرانی در مفهوم وسیع خود فرآورده هنر زیستن است و در ایجاد رابطه میان انسان و طبیعت و در نظام هستی ره‌آورد تمدن پرمایه ایران زمین است. تمدنی که در زمینه محیط زیست، دست‌آوردهای ممتازی را ارائه داده است. نظام باغ ایرانی، تنوع و اندازه‌های گوناگون آن از کوچکترین حیاط خانه تا بزرگترین چهار باغ شهری و باغ شهر را در بر می‌گیرد.

ایرانی‌ها از دیرباز به ساختن باغ‌ها و باغچه در حیاط‌ها و دور و بر بناها علاقه خاصی داشته‌اند. شاید خاطره میهن اصلی و خاستگاه قوم آریا منش این علاقه بوده است. آنها باغچه‌هایی را که در اطراف بنا می‌ساختند (په اره دئسه) می‌نامیدند، که به معنای پیرامون دژ یا (دیس) بود، یعنی بنا و کسی را که دیس می‌ساخت (دیس) یعنی

سفالنی نقش می کردند. بر روی بعضی از کاسه های سفالین نقش آبیگرهایی دیده می شود که اطراف آنها درخت زندگی احاطه کرده است و برخی دیگر دنیا را نشان می دهند که به چهار قسمت تقسیم شده است و گاه آبیگری هم در وسط آن مشاهده می شود. این نوع طرح متقاطع، که در آن یک محور ممکن است از محور دیگر درازتر باشد، به صورت طرح نمونه باغ های ایرانی درآمد و بام چهارباغ بر آن اطلاق گردید. این گونه طرح از زمان ساسانیان (۲۲۴-۶۴۱م) که معمول بود در شکارگاه ها در محل تقاطع محورها کوشکی بنا کنند، ترسیم شده است (ویلبر، ۱۳۸۳).

اولین باغی که با چهار نهر به چهار قسمت تقسیم می شده است و در وسط آن عمارت کوچکی ساخته بوده اند، چندی پیش در سوریه، در بیرون شهر روسافه کشف شد که بنای آن به نیمه ی اول قرن هشتم میلادی بر می گردد (شکل ۲).

انواع باغ ایرانی

نوعی باغ که در پشت بنای اصلی آن یک حیاط بسته بوده و رو به جلو منظر داشته، اما در پشت بنا، فقط حیاط خلوت و گوشه دنجی بوده است. مثل باغ ارم شیراز، باغ مزار کاشان و سروستان فارس. باغهایی نیز بوده اند که علاوه بر باغ اصلی، یک باغ بیرونی هم داشتند که کمی عمومی تر بوده و بعد از عبور از آن وارد باغ می شدند. مثل باغ دولت آباد یزد که در جلو آن باغ بهشت آئین بود. گرچه در بسیاری از باغهای ایرانی می بینیم که آب از یک جهت آمده و ضمن ریختن در یک حوض مقسم در سه جهت دیگر جاری شده است اما گردش آب را در چهار جهت تداعی می کند (پیرنیا، ۱۳۷۳).

پایه های استوار باغ: (سمیع آذر، ۱۳۸۶)

– منتهای در زمانی، تقسیم آن به چهار قسمت، دارای مرکز، دارای کوشک

ایرانی همیشه مورد توجه و نظر معماران و باستان شناسان بوده است. در میان کویر ایران باغ هایی وجود دارند که از نقطه نظر هنر و معماری نمونه هایی با ارزش تلقی شده و باعث ترویج هنر باغسازی ایرانی در دیگر سرزمین ها و به ویژه سرزمین های اسلامی شده اند.

قبل از اسلام

سنت کاخ سازی که در نزد ساسانیان به اوج رسید، بسیار پیش از آن در ایران وجود داشت. بازمانده های چندین گلگشت – باغ هخامنشی (در فاصله میان قرن ۷ و قرن ۵ پیش از میلاد) حاکی از آن است که چنین باغ هایی در آن زمان وجود داشته است که آن ها را به زبان فارسی باستان «پارادائزا» یا «پردیس» می نامیده اند و معنای آن «باغ محصور» است. که همین نام است که به غرب می رود و توسط آنان به عنوان معادل بهشت انتخاب می شود.

آن قدر که در این سرزمین به مکان سایه و پردرخت و خنک احتیاج داریم مردم اروپا ندارند، بلکه در بعضی موارد عمداً از کاشتن درخت های زیاد در باغ های خویش خودداری می کنند و به پرورش گل و بوته می پردازند تا از آفتاب و نور بیشتر برخوردار شوند، این در حالی است که ایرانیان قدیم کوشش می کردند باغ هایی با درختان فراوان ایجاد کنند، و هر قدر این درختان کهن تر و تنومندتر و سایه افکن تر بودند، صاحبان باغ ها بیشتر به خود می بالند به حدی که درخت کاری به صورت یکی از جشن های ملی درآمد و بدین وسیله مردم را به کاشتن درخت و پرورش نهال تشویق می کردند (ویلبر، ۱۳۸۳). باغ های تیموری: باغ شمال، باغ دلگشا، باغ نو، باغ دولت آباد، باغ بهشت.

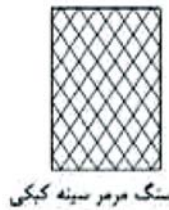
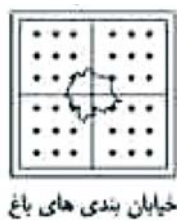
بعد از اسلام

نخستین خلفای بنی امیه، ساختن کاخ- باغ ها را از روی الگوهای باستانی در سنت های سامی و بیزانسی و بین النهرین و ایرانی ادامه دادند. گویاترین آثار بازمانده از این دوره، سه کاخ بزرگ به نام های قصر عمره، خربت المفجر و قصرالحیر در سوریه ی امروز است که بنای آن ها در اوایل قرن هشتم میلادی صورت گرفته است.

از هنگام غلبه اعراب بر ایرانیان در سراسر سده های اسلامی تاکنون، باغ های این کشور در نظر مردم آن نمونه بهشت موعود بوده اند. بی شک علت بوجود آمدن این عقیده در بین آن ها و ارزش زیادی که برای باغ ها قائل هستند، خشکی و بی درختی فلات ایران است. اصل و منشأ جنبه حیات بخش باغ ها به ادوار ابتدایی باز می گردد. از چهار هزار سال پیش از میلاد هنگامی که شکارچیان از کوه ها سرازیر می شدند و در دره های طویل فلات بزرگ ایران به کار کشاورزی می پرداختند، جنبه های مختلف زندگی و معتقدات خود را بر روی اشیای



شکل ۲. تقسیم چهار- باغ فین کاشان



شکل ۳. اجزاء و جزئیات باغ (مأخذ: پیرنیا، ۱۳۷۳)

اجزاء باغ ایرانی آب

آب در باغ: یکی از مشخصه‌های مهم باغ ایرانی، تمایل زیاد به نمایش آب بود. چون آب معمولاً خیلی کم و بسیار عزیز بود. معمار باغساز بازی‌های غریبی با آن می‌کرد.

جاری شدن آب از جای‌جای باغ (در باغ ایرانی آب را به درون زمین برده و از مکان‌های خاص به بیرون جاری می‌کرده‌اند) (شکل ۳) و حرکت آن در چهار جهت و چهار جوی، تمثیلی از چهار نهر بهشتی است که در باغ ایرانی به کار گرفته شده است (دیبوا انصاری، ۱۳۷۶). با توجه به اینکه در قبل از اسلام تقسیم چهار وجود داشته چهارباغ تمثیلی از باغ‌های هخامنشی می‌باشد.

چهار نهری که از میان بهشت می‌گذرد احتمالاً بعدها مورد الهام برای طراحی نهرهایی که از میان باغ‌های ایران و هند می‌گذرد به کار معماران در بعد از اسلام آمد، چرا که به گفته شاعران درباری آن دوران، هر گوشه‌ای از باغ‌های سلطنتی به نحوی متذکر بهشت می‌باشد. بنابر این حوض مرکزی در باغها در حکم نماد حوض بهشت است که جزئی از عالم ملکوت نیز به شمار می‌رود. از سوی دیگر شاعران گرفتار غم فراق حال خود را چون زیر بام یار بایستند و اشک فراوان بریزند، به اغراق بهشتی واقعی تشبیه کرده‌اند که در آن نهری جاری است (شکل ۳).

گیاهان باغ

در میان کت باغ ایرانی معمولاً گیاهانی می‌کاشتند که زیاد بلند نشوند و همیشه سبز و زیبا باشند. اما در دو خیابان دو طرف میان کت یا آبنما، دالان سرپوشیده‌ای از درختان می‌ساختند. و در کاشیکاری و قالبیابی از این الگو استفاده می‌شده است.

عمارت‌ها کوشک

در باغ‌هایی نیز کوشک به نسبت یک سوم در امتداد محور طولی قرار داشت و بناهای اندرون را در طرف خلوت باغ قرار می‌دادند و منظر اصلی در جهت مخالف اندرون بود. باغ طرف اندرون هم میان کت و سایر اجزاء را داشت، اما پشت آن مسدود بود.

بنای سردر

در باغ‌های ایرانی، علاوه بر عمارت اصلی یا کوشک اصلی، بناهای سردر هم بودند که در حقیقت بیرونی باغ یا محل پذیرایی باغ محسوب می‌شدند و معمولاً بسیار زیبا بودند. گاهی هم به جای سردر یک در معمولی بود، اما در مقابلش یک (پرس) بود، یعنی دیواری مشبک که موجب می‌شد داخل باغ از بیرون مستقیماً قابل رؤیت نباشد.

عمارت‌های دیگر

عمارت‌های تابستانی، زمستانی، آب انبار، حمام و سایر بناهای مورد نیاز که در نقاط مناسب برای عملکرد آنها ساخته می‌شد.

هندسه باغ ایرانی

باغ‌های ایرانی در زمین مسطح بنا می‌شدند و باغ‌های دشتی بودند، یا در زمین شیبدار، که امکان می‌داد باغ را با آبشارها و درخت‌های بیشتر، زیباتر بسازند: مثل باغ تاج نطنز، باغ شاهزاده ماهان و باغ تخت شیراز که از بین رفته است.

در باغ ایرانی توجه خاصی به شکل‌های هندسی می‌شد و شکل مربع که فاصله بین اجزاء باغ را ساده و روشن نشان می‌داد، از اهمیت خاصی برخوردار بود. به وقت کاشتن درخت، نخستین گام، دقت در تعیین فاصله محل کاشت از هر طرف بود و بدین ترتیب مربع‌هایی شکل می‌گرفت که از هر طرف که نگاه می‌کردند، ردیف درختان را می‌دیدند (پیرنیا، ۱۳۷۳).

یک اصل مهم دیگر در باغسازای ایرانی باز بودن چشم‌انداز اصلی به شکل مستطیل کشیده بود. در این باغ‌ها، در مقابل بنا، فضای باز و کشیده‌ای بود که درست در چشم‌انداز اصلی واقع می‌شد. در این فضا درختان بلند می‌نشانند (شاهچراغی، ۱۳۸۸).

بنا را در نقاط مختلف باغ می‌ساختند. مثلاً گاه بنای اصلی در وسط باغ بود و از چهار طرف دیده می‌شد و بناهای فرعی و سردر در اطراف بودند. یا بنای اصلی باغ یک طرف و بناهای فرعی در اطراف، با دو راه متقاطع، و منظر اصلی در امتداد محور طولی باغ بود.

در جلو بعضی از باغ‌ها نیز یک دربنده، یا یک بست، یا جلوخان وجود داشت، مثل باغ شاهزاده ماهان.

هماهنگی شکل هندسی فضای برون با درون (کوشک) دلیل دیگری بر این نظام هندسی است و نظام هندسی فضای درونی خود وابسته به عوامل بسیار دیگری است که از حوصله این بحث خارج است. غیر از مستطیل کشیده و مربع، شکل‌های هشت گوش، کشکولی و نگینی و چهار گوش هم در باغ بود. معمولاً به صورت استخر یا حوض، استخر ۱۲ گوش هم بود، مثلاً استخر جلو بهشت آئین باغ دولت‌آباد یزد که در مقابل آن سه استخر طولانی و کشیده مستطیل هم بود و آب را در آنها جمع می‌کردند و به آبادیهای مختلف می‌بردند.

انسان و بهشت

همهٔ ادیان الهی انسان را موجودی رانده شده از بهشت می‌دانند و او را به (بهشت موعود) وعده داده‌اند. اعتقاد به بهشت بعد از مرگ در سایر اعتقادات مذهبی نیز وجود داشته است که از آن جمله می‌توان به اعتقادات مصریان باستان و هندوان اشاره کرد و از دیدگاه چینی‌ها و ژاپنی‌ها روح انسان پس از مرگ و طی مراحل سخت، در قالب تازه‌ای به زمین باز می‌گردد و یا در بهشتی که شباهت تام با روی زمین دارد به آرامش و سعادت جاوید می‌رسد. در ایران قدیم معتقدات آیین (مزدیسنی) در مورد بهشت کاملاً روشن است که دارای سه (سرا) است که از سرای سوم به بارگاه جلال اهورا و عرش باری تعالی می‌رسد. پیامبر اسلام در سفر معراج خود نقل می‌کند که جبرئیل او را در آن سفر به بهشت برد. خداوند آن را برای برگزیدگان و پارسایان و مقدسان آفریده است که جنه النعیم، باغ جاودانگی، باغ عدن، مسکن رستگاری و منزل آرامش و آسودگی است. این باغ نزدیک «سدره المنتهی» قرار گرفته است و «جنه المأوا» نام دارد. بنابر حدیث، جای این باغ در آسمان هفتم است. مرکز بهشت را «فردوس» می‌نامند که از واژه ایرانی «پردیس» است.

بالاترین مرتبه بهشت، باغ عدن است که خدا آن را خود کاشته است تا سرای برین او باشد.

چنین بر می‌آید که جهان بینی اسلامی، این صورت مثالی و به گفتهٔ هانری کربن، این پیکر آسمانی را برگزیده است تا رابطهٔ آدمی را با عالم برین که آرمانی شده و به صورت بهشت جاودانی درآمده است، بیان می‌کند. برای تفسیر مفهوم منتها، می‌توانیم از هانری کربن کمک بگیریم. او می‌گوید که باغ، الگوی نخستین مکانی است در منتها الیه عالم جسمانی (ملک) و عالم جان (ملکوت). به عبارت دیگر، باغ عالمی است بینابین که آن را عالم خیال می‌توان نامید. سدره المنتهی رمز این عالم را تبیین می‌کند که نوعی حصار است و این عالم را از درهم ریختگی و بی سامانی جهان بیرون جدا می‌کند.

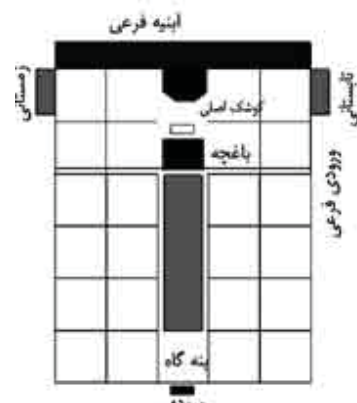
اما در تمام این باغ‌ها، در مقابل بنا حتماً میان کرت بود، با یک فضای مستطیل کشیده که در آن آبنا یا استخر می‌ساختند. هیچ باغی بدون این فضای باز نبود (مگر اینکه از زمان احمدشاه به بعد احداث شده باشد).

به طور خلاصه در هندسهٔ باغ ایرانی دو اصل مهم بود: سه کشیدگی در کنار هم، و تقسیم باغ به مربعهایی که خود دارای تقسیماتی منظم و مربع شکل بودند. سابقهٔ این اصول به خیلی قبل، به هزاران سال قبل باز می‌گردد. در کشاورزی ما هم کاشت مربعی معمول بوده و زمین و آب به صورت مربعی تقسیم می‌شده است (پیرنیا، ۱۳۷۳).

طرح باغ ایرانی براساس توجه و کاربرد خاص مربع در ترکیب کلی و اجزاء آن استوار است و این خصیصه شخصیت متمایز باغ ایرانی را تشکیل می‌دهد و از دیرباز مورد توجه دیگران بوده است (شکل ۷).

نظم دقیق و هندسی در نحوهٔ کاشتن درختان است و برای این منظور هر بخش از باغ که به شکل مربع یا مستطیل است به مربع‌های کوچک تقسیم و در هر رأس این شبکهٔ مربعی یک درخت که عمر طولانی‌تر دارد کاشته می‌شد و سپس این مربع‌ها به مربع کوچکتر تقسیم و هر رأس آن درختان با عمر متوسط و به همین ترتیب درختان با عمر کوتاه در رئوس مربع‌های میان آنها کاشته می‌شد. این نظم هندسی به قدری دقیق بوده که از هر طرف نگاه می‌کردند، ردیف درختان دیده می‌شده است و مورد توجه اکثر جهان گردان قرار می‌گرفته است (دیبا و انصاری، ۱۳۷۶).

این نظم از نظر عملکردی به گونه‌ای بود که در اثر گذشت زمان و جایگزینی احتمالی درختان از بین رفته، تا زمان‌های طولانی حفظ می‌شد و شکل کلی باغ از بین نمی‌رفت، و به علاوه امکان نورگیری منظم همهٔ درختان فراهم می‌شده و به ناگهان قسمت اعظمی از باغ خالی از درخت نمی‌شده است (همان).



شکل ۴. هندسه باغ ایرانی (مأخذ: پیرنیا، ۱۳۷۳)

بهشت در کلام الهی

تصور بهشت موعود که از دوره های قبل تاکنون در مخیله ایرانیان به وجود آمده، تصویری است از زیباترین و دلپذیرترین باغ ها. ایرانیان بام بهشت را بر باغ های مختلف نیز اطلاق می کنند. کلمه بهشت، فردوس است که مفهوم باغ و بهشت را یکجا دارد. شاعران از مقایسه باغ های زمینی و بهشت آسمانی، که در قرآن به آن وعده داده شده لذت می برند و عالی ترین نوع باغ را ارم می دانند که در قرآن مجید از آن به "ارم که بوسیله ستونها تزئین گردیده" (سوره فجر ۶-۷) یاد شده است. این باغ توسط شداد، پادشاه مشرکان دریم ساخته شده بود. غرض وی از این کار آن بود که باغی زیباتر از بهشت موعود ایجاد کند. ولی همین که احداث باغ پایان یافت، فرمانفرمای نامدار بدرد زندگی گفت (ویلبر، ۱۳۸۳). و می توان گفت بهشت سازی در زمین کار مشرکان بوده، اما بعد از اسلام چه در باغ و چه در شعر و ادبیات بهشت منتهای آرزو بشری تلقی شده و از عناصر بهشت بعنوان نماد استفاده می کردند و کسی به دنبال ساخت بهشت در زمین نبوده است.

در آغاز، خداوند باغ عدن را آفرید. واژه ی "عدن" یازده بار در قرآن کریم آمده است، که در همه ی آنها به صورت صفت برای "جنات" (بهشت ها) ذکر شده و به صورت منفرد و مستقل نیامده است. مفسر کبیر قرآن کریم؛ مرحوم علامه طباطبایی در علت این که چرا "بهشت" را "عدن" نامیده اند می گوید: "کلمه ی عدن به معنای اقامت است، و اگر بهشت را به آن نامیده اند اشاره به این است که فرد بهشتی در بهشت، جاودان و ابدی است".^۱

هوای بهشت جاودانه معتدل است؛ نه خورشید در آن جا هست و نه ماه، نه روز و نه شب. روشنایی جاودانه بر آن جا حاکم است که آن را «خورنق» می گویند. این واژه، ریشه مزدایی دارد. از مرکز بهشت، همان جا که فردوس نام دارد، چهار نهر بزرگ سرچشمه می گیرد و سرتاسر بهشت را با آب و شراب و عسل و شیر آبیاری می کند. جدا از این نهرهای بزرگ، خداوند به پیامبر، چشمه شگفت انگیزی به نام «کوثر» وعده داده است که کناره هایش از طلا و بسترش از یاقوت و مروارید است. بنا بر احادیث، چهارکوه در باغ عدن به نام های احد، سینا، لبنان و حصیب وجود دارد. بهشت، هشت در دارد. دور تا دورش با باروهایی محصور است. نمونه ای از کعبه نیز در آنجا هست که مسجد برگزیدگان است.

و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند بشارت ده که باغ هایی (جنات) نصیب آنها خواهد شد که نهرهایی از زیر قصرهای آنها جریان دارد، هر زمان میوه ای از آن به ایشان داده می شود می گویند پیش از این (در دنیا) مانند این ها روزی ما شد. (قالو هذا الذی رزقنا من قبل و اتوا به متشابهها) و نعمت های گوناگون به آنها داده خواهد

شد و... همان طور که در این آیه آمده است، آنچه در بهشت روزی صالحان می شود مشابه آن چیزی است که (در دنیا) روزی انسان است. اما این سؤال مطرح است که این گونه توصیف از بهشت به دلیل تفهیم زیبایی ها و لذات بهشت آخرت به کار گرفته شده یا مطابق با واقعیت بهشتی است؟ (دبیا و انصاری، ۱۳۷۶)

آنچه مسلم است بهشت آخرت که قرآن ارائه می دهد تفاوت ذاتی با دنیا دارد و آن اینکه:

همه چیز در آن جا جوید، ماندگار و فسادناپذیر است، و تحول در آن جا راه ندارد؛

هر چیزی که مورد اراده قرار گیرد حاضر خواهد بود و لذا می بینیم ایرانیان بهشتی را در این عالم (باغ) طرح کرده اند که با خصوصیات این دنیا مطابقت دارد (تحول پذیری) اما تصاویر بهشت آخرت را تداعی می کند. و سعی کرده اند که در همه فصول سال زیبایی و بهره دهی (میوه های مناطق مختلف آب و هوایی در چهار فصل سال) در یک اکوسیستم بسته و جدا از محیط فراهم آید (همان).

باغ ایرانی تمثیل بهشت نیست چون هیچگونه تناسب و سنخیتی بین آن دو وجود ندارد. مانند نور که به عنوان نماد خداوند سبحان معرفی می شود تا وجود او جل شأنه قریب به ذهن شود. یا آب و درخت و حتی باغ ممکن است نماد بهشت باشند، اما تمثیل آن و به ویژه تمثیل زمینی آن نیستند. بالاخص آن که کسی بخواهد بهشتی خلق کند که گفته یا نگفته به رقابت با بهشت او برخیزد، یا خویش را از بهشت او بی نیاز معرفی کند، یا چنین القا کند که در بهشت بودن به سهولت ممکن است؛ و سوء استفاده از سخن حضرت لسان الغیب که: من که امروزم بهشت نقد حاصل می شود/ وعده ی فردای زاهد را چرا باور کنم، توجه کنیم که مطابق آراء عرفا و حکما "انسان تا در این جهان است باید مراتب و مراحل آن جهان را طی کند". و این البته نه به مهنای ساختن آن جهان در این دنیا است، که این نه ممکن است، نه کارساز و نه حتی توصیه شده (نقی زاده، ۱۳۸۷).

روایت شده که رسول خدا (ص) فرموده اند: (وقتی از خدا درخواست می کنید، فردوس را بخواهید که در وسط بهشت و بر نقطه بلند آن قرار دارد فوق آن عرش رحمان است و نهرهای بهشت از آنجا می جوشد). اما به رغم گویایی و روشنی اوصاف قرآن از این باغ ملکوتی، ما فقط می توانیم آن را با چشم خیال ببینیم. سوره الحديد، آیه ۲۱ وسعت آن را مشخص میسازد: (و بهشتی که پهنای آن همسان پهنای آسمان ها و زمین است) با این حال، بهشت، به رغم وسعت و پهناوریش، همچون باغ های شرقی باغی بسته و محصور مینماید: این باغ که در احاطه عظمت پروردگار است، بنابر تعبیر عارفان، چیزی جز (وجه باطنی خلقت) نیست. بهشت محصور در میان دیوارهاست، چرا که در قرآن به دروازه های آن اشاره

درخت یک شاخه در آن خانه سرکشیده باشد. احترام و تقدیس درخت از دیرباز در ایران مطرح بوده است. ایرانیان قدیم همچنین معتقد به فرشته مقدسی بودند به نام (ورز) که صدمه زدن به گل و گیاه، موجب ناراحتی و خشم او می شد.

شاید پناه بردن از گرمای جهانی اقلیم خشک و سوزان به سایه طوبایی درخت، دلیلی بر این گرایش بوده است و به همین دلیل درختان کهن سال که نقش اساسی در تنظیم اکوسیستم محیط داشتند مورد توجه و تقدیس قرار می گرفته اند.

مراتب بهشت

قرآن کریم در حدود ۳۸۶ آیه با به کارگیری کلمات مترادف بهشت: "جَنَّةُ الْجَنَّةِ، جَنَاتٍ، جَنَّاتٍ، حِدَاقٍ و اجزاء بهشت الانهار و العیون"، به معرفی بهشت پرداخته است که ۸۱ مورد به بهشت های زمینی و ۳۰۶ مورد بهشت و دنیای آخرت را توصیف کرده است و ۴ مورد از توصیفات بهشت های زمینی و اخروی با هم مشترک می باشد. ذکر این نکته نیز لازم است که در اکثر آیاتی که باغ و بهشت دنیوی توصیف شده است به قدرت و حکمت خدای متعال و دل نبستن به جهان مادی اشاره شده است.

اما نکته ای در قرآن هست که تخیل ما را قدری آشفته میکند، و آن این است که در سوره الرحمن، آیات ۷۵-۴۶، از دو باغ، با دو چشمه جوشان، و دو نوع از هر میوه یاد شده و در ادامه (آیات ۶۲ به بعد) چنین آمده است: و جز آنها به دو بهشت دیگر است، ... از شدت سبزی متمایل به سیاهی ... در آن دو، دو چشمه همواره جوشنده هست ... در آن دو میوه هست و نخل هست و انار هست ... در آنجا زمانی است نیک سیرت و زیباروی ... حورانی مستور در خیمه ها ...

ابن عربی، عارف بزرگ، دید معادشناسانه خود را دارد: بهشت او عبارت است از باغی برای کودکان خردسال که پیش از رسیدن به سن تکلیف و تمیز میمیرند، باغی برای مؤمنانی که مدتی در جهنم جزای گناهان خود را می بینند و سپس به بهشت می روند، و سرانجام آن بهشت حقیقی که جای پاداش اعمال نیک و صالح است. این بهشت حقیقی نیز خود شامل هشت باغ است که هر کدام چند مرتبه دارد، به طوری که هر کس پاداش اعمالش را دقیقاً دریافت می کند. این فکر هشت باغ یا از دو برابر کردن و دو بار دو باغ که در سوره الرحمن از آن یاد شده به دست آمده است، و یا به کمال مطلق اشاره دارد، چرا که از شماره افلاک هفتگانه در می گذرد و از جهنم که فقط هفت طبقه دارد بزرگتر است، و به این ترتیب این حقیقت را به اثبات می رساند که رحمت خداوند بر غضبش فزونی دارد به هر حال دلیل انتخاب عدد هشت هر چه باشد، عبارت (هشت بهشت) در زبان فارسی رواج بسیار دارد و عنوان

می شود: چون به بهشت برسند درهایش گشوده شود. و جازنان بهشت گویندشان: سلام بر شما، بهشتتان خوش باد، به درون بیایید، همواره در این جا خواهید بود. میگویند: سپاس خدای را، رضایت خداوند از متقیان، یعنی (رضوان)، را به صورت دربان بهشت شخصیت بخشیدند، چراکه بدون رضایت خداوند کسی حق ورود به بهشت ندارد. بدین ترتیب در سنن رایج، رضوان به شخصیت ملکوتی بسیار فعالی تبدیل شد که افراد خواهان ورود به باغ بهشت را با دقت بررسی می کند. درود مدام دربانان بهشت به وارد شوندگان به آن و ستایش ایشان را به موسیقی ربط دادند، تا آنجا که مولانا جلال الدین رومی در جایی موسیقی را (صدای درهای بهشت) خوانده و در مقابل زاهدی که گفته است از صدای این درها خوشش نمی آید، پاسخ داده است که من صدای باز شدن درها را می شنوم، اما تو صدای بسته شدنشان را.

نهرهای بهشتی

به طور کلی، اوصاف قرآن از باغ ملکوت به غایت هماهنگ و یکدست است و تصویر روشنی از سر سبزی، چشمه های جوشان، نهرها، اغذیه لذیذ، و زیبایی های جسمانی موجود در آن در اختیار ما می گذارد. نهرهای بهشتی نقطه اوج تصویری که از بهشت در قرآن اشاره شده (جنات تجری و من تحتها الانهار) می باشد و به معنی بوستان هایی است که از زیر (درختان و قصرهای) آن جوی های آب جاری است. این ترکیب کلامی در ۳۵ آیه از قرآن کریم به کار رفته است.

در قبل از اسلام نیز حوضچه های سنگی و آب گذرهای موجود در باغ با معانی خاص کاربرد آب را در معابد آب از جمله معبد آناهیتا (پلان معبد مربع است) که دارای سه ورودی آب و سنگ چاه جذبی سه جهته (ثلاثة غساله) بوده است ملاحظه کرد. که این تقسیم چهارتایی در زمین در قبل و بعد از اسلام تفاوت ماهوی با بهشت برین دارد که توضیح داده شد.

شیوه جمع شدن آب در طبیعت و تشکیل نظام شاخه ای که بهترین کاربرد را برای این منظور دارد و مشتمل بر جوی ها، نهرها و رودها است منشا الهام انسان برای تقسیم آب در مزارع اما به شکل عقلانی آن شده است.

درختان بهشتی

از توصیفات دیگری که قرآن کریم در مورد بهشت ارائه داده است توصیف (سدره المنتهی) (درخت بهشتی) است.

در بعضی از تفاسیر (طوبی) در آیه (الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب) را درختی در بهشت دانسته اند که ریشه اش در منزل رسول خدا است و هیچ منزلی در بهشت نیست مگر آن که از آن

آثار ادبی فراوانی انتخاب شده است. کوشک های هشت گوش که در برخی از باغهای گورکانی هند به تقلید از کوشک های خنک یاد شده در سوره الرحمن ساخته شده و همین طور طراحی باغ هایی در هشت یا در نه تراز که با جوی های آب به هم متصل شده اند، بی تردید ملهم از همین مفهوم عدد هشت است.

نتیجه گیری

بنابراین ایرانیان تصور ذهنی شان را از بهشت، که به پاداش اعمال نیک به آن ها بخشیده خواهد شد. نمادی همچون بهشت کوثر که از درختان و گل ها و جویبارها، تشکیل شده، بصورت باغ با آب روان خوش و گل های زیبا و درخت هایی که می توان در سایه آن ها آرمید، و همه محصور در دیواری که مانع ورود جهنمیان به آن شود. تجلی پیدا کرده است.

باغ هایی که برای ساکنان سرزمین های خشک و برهوت که ذره ای سبزی در آن ها موهبتی است، بزرگترین لذت و مایه شادی به شمار می رود. از این روست که قرآن برای انتقال مفهوم لذت و شادی مدام بارها به باغ ملکوتی اشاره می کند و وعده می دهد که (آن روز پرهیزگاران در باغ ها و کنار چشمه ساران باشند).

درمجموع البیان آمده است که کلمه روضه به معنای زمین سبز و خرمی است که گیاهان به خوبی در آن می رویند و کلمه جنت زمینی است که اطرافش درخت کاری شده باشد و در نتیجه روضات الجنات باغ های مشجری است که در وسط، زمین سبز و خرمی را فرا گرفته باشد.

باغ ایرانی در سیر تکاملی خود در دوره صفویه کاملاً بازگوکننده تصویری عینی با نشانه هایی از بهشت که در قرآن به آن ها اشاره شده است، می باشد. انسان مسلمان در چنین فضایی که با توجه به خشک بودن اقلیم کشور ما کاملاً ارتباطی روحانی برقرار می کند و معمار ایرانی ترکیب عناصر طبیعی را در زیباترین شکل و نمادهای اسطوره ای و مقدسی را در بالاترین سطح به نمایش گذاشته است.

باغ ایرانی اوج کمال مادی برای تجلی اعتقادی و معنوی جهان بینی اسلامی است. باغ ایرانی با پیشینه بسیار طولانی که به بیش از ۲۵۰۰ سال می رسد در دوره اسلامی در مکتب اصفهان به تکامل مادی و معنوی می رسد و کاملاً به نمادسازی از بهشت برین می پردازد و تبدیل به هنری معنوی می گردد و نگاره ها و فرش های ایرانی به تصویر سازی از باغ برای القاء بهشت می نمایند. باغ ایرانی یک

نمادسازی از بهشت برین است و انسان مسلمان ایرانی بدنبال شبیه سازی یا ایجاد بهشتی زمینی نبوده است و بر اساس جهان بینی خود این عالم را فانی دانسته و به عالمی باقی معتقد بوده است.

پی نوشت

۱. به نقل از نقی زاده (۱۳۸۷): طباطبایی، ۱۳۵۵، ج ۲۷، ص ۱۲۰.

فهرست مراجع

۱. اعوانی، غلامرضا، (۱۳۷۵)، «حکمت هنر معنوی»، نشر گروس، تهران.
۲. بورکهارت، تیتوس، (۱۳۷۶)، «هنر مقدس: اصول و روشها»، مترجم: جلال ستاری، انتشارات سرروش، تهران.
۳. پوپ، آرتور، (۱۳۷۷)، «معماری ایران»، مترجم: غلامحسین صدیقی افشار، انتشارات فرهنگیان، تهران.
۴. پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۷۲)، «آشنایی با معماری اسلامی ایران»، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۵. پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۷۳)، «باغ های ایران»، به کوشش فرهاد ابوالضیاء، مجله آبادی، سال چهارم، شماره پانزدهم، تهران.
۶. دیبا، داراب و مجتبی انصاری، (۱۳۷۶)، «باغ ایرانی»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ بم - کرمان ۱۲-۷ اسفند ۱۳۷۴، سازمان میراث فرهنگی کشور، جلد دوم، تهران.
۷. سلطان زاده، حسین، (۱۳۷۸)، «تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل»، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
۸. سمیع آذر، علیرضا، (۱۳۸۶)، «حکمت کهن؛ منظر جدید»، موزه هنرهای معاصر، تهران.
۹. شاهچراغی، آزاده، (۱۳۸۸)، «تحلیل فرآیند ادراک محیط باغ ایرانی براساس نظریه روان شناسی بوم شناسی»، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۵، ص ۶۲-۵۱.
۱۰. نصر، حسین، (۱۳۸۰)، «نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت»، انتشارات خوارزمی، تهران.
۱۱. نقی زاده، محمد، (۱۳۸۷)، «خاستگاه های ایده ی بهشت سازی در زمین»، ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۴، صص ۶۲-۴۰، خانه کتاب، تهران.
۱۲. ویلبر، دونالدنیوتن، (۱۳۸۳)، «باغ های ایران و کوشک های آن»، مترجم مهین دخت صبا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۱۳. _____، (۱۳۷۵)، «قرآن مجید»، ترجمه ی مهدی الهی قمشه ای، انتشارات آسوه، تهران.